مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال اول | شماره ۴۱ | چهارشنبه ۵ سنبله ۱۳۸۲ | ۲۹ جمادی الاخر ۱۴۲۴ - 27 August 2003

سرمقاله

مناسبترین نظام برای کشور ما نظام پارلمانی است

ص۲

افغانستان میدان منازعه جنگ جهانی سوم وچهارم

ص۲

کنفرانس
بررسی اولویت ها در قانون اساسی آینده



استادعبدرب الرسول سیاف



عزیزالله واصفی



دکترانوارالحق احدی



عبدالحفیظ منصور



دکترعبدالحی الهی



محمد صدیق چکری



قاضی امین وقاد



نورالله عماد



مولوی غلام محمد



عبدالحی خراسانی

گزارشگر: فرامرز

روز یکشنبه دوم سنبله۱۳۸۲کنفرانسی به ابتکار دفتر فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان در سالن مطبوعاتی میوند واقع علم گنج دایر گردید.

در این کنفرانس تعداد کثیری از شخصیت های جهادی، استادان دانشگاه کابل، روشنفکران، دانشمندان وشماری از زنان شرکت ورزیده بودند.

کنفرانس به منظور بحث در پیرامون اولویت ها در قانون اساسی آینده وانعکاس طرح ها ونظریات مردم در کار تدوین آن دایر گردیده بود. نخست آقایان دکتر عبدالحی الهی وعبدالحی خراسانی اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی؛ هرکدام به ترتیب معلومات مفصل وهمه جانبه یی در پیرامون متن وماهیت مسودهٔ قانون اساسی آینده ارائه داشتند. در اظهارات آقای الهی وآقای خراسانی تأکید به این موضوعات صورت گرفت:

اکثریت قاطع مردم افغانستان در نظرخواهی صورت گرفته، نظام جمهوری اسلامی را پیشنهاد کرده اند. نظام پیش بین شده در قانون اساسی آینده نظامینه، ریاستی ونیمه صدارتی خواهد بود و در عین حال در قانون اساسی پیش بینی شده است، صدر اعظم رهبری حکومت را به دست گرفته وبا کابینهٔ خود نزد پارلمان مسؤول وپاسخ گو باشد. و همچنان رئیس جمهور نیز نزد پارلمان مسؤول است وپارلمان می تواند تحت شرایطی خاص که قانون آن را پیش بینی نموده است حتی رئیس جمهور را هم برکنار نماید.

آنها توضیح کردند که تمام ارزشها واصول در قانون اساسی برمبنای دین مبین اسلام استوار است وهیچ امری وهیچ دستوری در قانون در ضدیت بادین مبین اسلام مورد قبول ومورد توجه نبوده ونخواهد بود.

ایشان افزودند:

پارلمان شامل دو مجلس خواهد بود وهر دو مجلس دارای صلاحیت های معین ص۳

استاد ربانی:
نظام آیندهٔ کشور جمهوری پارلمانی باشد



بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:
برادران وخواهران!
السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

گرچه من در اجلاس امروزی سخنان زیادی ندارم، اما باالهام از نظریات برادرانی که به ارتباط اولویت های قانون اساسی پرسش ها، تحلیل ها وبررسی هایی داشتند، حرف هایی کوتاه ص۳



همایشی به مناسبت ششمین سالروز شهادت عبدالعلی دانشیار
مرد قلم وسیاست



همایش بزرگی به مناسبت ششمین سالروز شهادت استاد عبدالعلی دانشیار که در سال۱۳۷۶، طی یک سانحهٔ هوایی در استان بامیان با عبدالرحیم غفورزی وشماری از نخبگان کشورمان به شهادت رسید، روز شنبه مؤرخ ۱۳۸۲/۶/۱ خورشیدی در سالن میوند تدویر یافت.

محفل با تلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز وسپس زندگی نامه شهید دانشیار توسط واقف حکیمی به خوانش گرفته شد.

نخستین سخنران این همایش، جناب استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت بود که گفت: برادر شهید دانشیار مانند سایر برادران شهیدش الگوی مقاومت وآزادیخواهی بود، او نه تنها یک مبارز خستگی ناپذیر که مرد اندیشه وقلم نیز بود، پیشنهاد های سازندهٔ او در دشوارترین شرایط مبارزه ومقاومت، رهگشای بسا از قضایای به بن بست رسیده یی بود که اکثریت ما از حل آن ناتوان بودیم.

استاد، وضعیت رو به بهبود وشرایط ایجاد شدهٔ کنونی را یکی از دستاوردهای بزرگ خون شهدای افغانستان به ویژه شهیدان سانحهٔ هوایی بامیان دانست وعلاوه کرد: امروز ما به عنوان وارثان حقیقی شهدای راه خدا، مسئولیت داریم که از نتائج ودستاوردهای خون شهدا ومبارزات برحق ملت خود قاطعانه پاسداری نموده وآرمان های برتر آن عزیزان را در قانون اساسی وانتخابات آینده وروی همرفته در تمام عرصه های سیاسی واجتماعی کشور بازتاب دهیم وتجسم ببخشیم. استاد همچنان بااشاره به اوضاع ص۵

دانشیار مردی که برای آزادی و شایسته سالاری رزمید

ص۵

وحید مژده
اولویت های معشوقهٔ نقابدار!

سمینار "بررسی اولویت های قانون اساسی آینده" که به ابتکار بخش فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان روز یکشنبه دوم سنبله با شرکت جمعی از صاحبنظران دایر گردید، همایش جالبی بود. این همایش مصداق شعری بود که آقای عزیزالله واصفی خواند:

معشوقه چون نقاب زرخ بر نمی کشد
هرکس حکایتی به تصور چرا کند؟

منظور آقای واصفی از معشوقه، نقابدار، مسوده، قانون اساسی بود که هنوز نقاب از رخ برنداشته و خود را در انظار ظاهر نساخته است. اما دراین سمینار، نقاب معشوقه مانع حکایت های ناشی از ظن وگمان و تصور نگردید و هریک از شرکت کنند گان لااقل با استناد به توضیحات بعضی از اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی حاضر در سمینار، که مشاطه گران آن چهره به شمار می آیند، در مورد بخش هایی از چهره ابراز نظر نمودند که جالب و دلچسپ بود. هرچند که زبان حال همه این بود که:

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست!
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست!

آنچه که در این میان سخنرانان به آن عنایت نفرمودند- یا دقیق تر بگویم کمتر عنایت داشتند- عنوان سمینار بود که باید محور سخنرانی ها ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

مناسبترین نظام برای کشور ما نظام پارلمانی است

استبداد و دیکتاتوری مهمترین عامل باز دارندهء رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در تمامی جوامع بشری خوانده شده است و بشریت در راه زدایش این باز دارندگی پیوسته قربانی داده است.

با تأسف و درد تاریخ شرق هم در بسیاری از برهه های خویش با استبداد سیاسی همدم و همراه بوده است. کشور ما به ویژه در تاریخ معاصر خود نیز در این عرصه داستان هایی بس تراژدی فاجعه آمیز دارد.

برای رهایی از این بیماری مزمن همهء فرزانگان و مجاهدان در جستجوی نظامی بوده اند که عدالت و برابری را در میان شهروندان تأمین کند و دعوای داشتن "فرهٔ ایزدی" در زمین را از شاهان و زورمندان باز ستاند. در پرتو یک چنین نظامی است که انسان انسانیت خود را باز می یابد چون انسان در نظام استبداد گوهر نهادین خویش، ازادگی و اختیار را از دست می دهد و در دستگاه دیکتاتوری حاکم به گونهء شی در می اید.

همهء پیامبران و دعوتگران الهی برای رهانیدن انسان ها از این بند تلاش ورزیده اند. این همان نظامی است که در فرهنگ اسلامی به نام نظام شورایی شناخته شده است که در آن مردم، ومنافع و مصالح و اولویت های آنان برتری دارد. این نوع نظام را در باختر زمین دموکراسی می خوانند که نظام پذیرفته و مطلوب در آن دیار به حساب می آید. این نوع نظام را مردم افغانستان و رهبران سیاسی ولایه های روشنفکری ونیز زمامداران افغانستان وجامعهء جهانی برای امنیت و شگوفایی این کشور شرط دانسته اند.

این نظام سیاسی جلوه ها و نمادهای ریاستی وپارلمانی در جهان داشته است. اکنون که قانون اساسی در حال تسوید قرار دارد برخی طرفدار نوع ریاستی آنند و عده یی هم از نوع پارلمانی آن حمایت می کنند.

در نظام ریاستی همه مقالید قدرت در دست رئیس جمهور قرار می گیرد که در برابر نمایندگان مردم در پارلمان غالباً مسؤولیت ندارد و اعتبارش را نه از راه پارلمان، نمایندگان مردم که از راه رفرندوم ازاد به دست می آورد واگر خواست می تواند پارلمان وکابینه را ملغی قرار دهد و نخست وزیر را عزل کند.

اگر یک چنین نظامی در کشور هایی سودمند از محک تجربه به در آمده باشد در کشور ما به دلائل بسیار روشن و بدیهی، گذراندن بحران بی اعتمادی و درگیری های گروهی و قومی نمی تواند کار ساز باشد و تنها در نظام پارلمانی است که مردم با همه طیف های خود حضور خویش را در تمام عرصهء حیات اجتماعی سیاسی می بینند وهیچ کس درآن احساس ثانویت و "برادر کوچک" بودن نمی کند. این امری است که برای افغانستان کنونی بسیار بایسته تلقی می گردد. بدون ایجاد یک چنین جو روان شناختی سیاسی اجتماعی نمی توان به وحدت ملی و اهداف بلند مدت آن چشم دوخت.

به همین لحاظ ما برای نظام سیاسی آیندهٔ کشور نظام پارلمانی را پیشنهاد می کنیم. نظامی که ممثل قدرت سیاسی در آن به جای فرد نمایندگان مردم باشند و در شؤون کلان ملی آنان تصمیم بگیرند. اگر ما نظام راستین پارلمانی ایجادکنیم و مردم بدون هیچ نوع فریب و نیرنگ نمایندگان شان را بدان بفرستند ما به یقین ریشهٔ بسیاری از بحران های کنونی را بریده ایم و راه را به سوی شگوفایی و توسعهء کشور وباز یافت مقام کرامت انسانی شهروندان آن هموار کرده و منافع ملی استقلال سیاسی مملکت را بیشتر ضمانت نموده ایم، چیزی که در این زمان بدان شدیداً نیازمندیم.

افزون بر آنچه گفته آمد نظام های دموکراسی از نوع ریاستی آن جز در کشورهایی بسیار محدود مانند ایالات متحدهء آمریکا تجربه نشده است که شرایط اجتماعی وپیشینهء تاریخی آن کشورها با کشور ما بسیار متفاوت است وهم باید ملتف بود که نظام ریاست آمریکا شبیه به نظام پارلمانی است به گونه یی که رئیس جمهوری در آگ در رأس قوای سه گانه به سان تجربه ما از آن قرار ندارد.

اما نوع نظام مختلط ریاستی-پارلمانی که در مسودهٔ قانون اساسی آینده پیش بینی شده است، تجربه نشان داده که بحران آفرین و تشنج زا بوده است. نظام سیاسی فرانسه و نظام سیاسی پاکستان پس تعدیل مادهٔ هشتم قانون اساسی آن کشور در زمان ریاست جمهوری ژنرال ضیاء الحق را می توان از این نوع تلقی کرد که پیوسته میان رئیس جمهور و نخست وزیر اختلاف و درگیری وجود داشته و چندین بار این درگیری ها در پاکستان به عزل نخست وزیر توسط رئیس جمهوری منجر گردیده است.پست نخست وزیری در نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم کار آیی وبحران آفرینی آن در کنار ریاست جمهوری پس از چندین سال تجربه از ساختار نظام حذف گردید.

بی تردید این نوع نظام نیز -اگر به حال آن کشورهای با ثبات سودمند تمام گردد- به حال کشور بی ثبات ما زیانبار خواهد بود. واگر این نظام مختلط کاملاً تافته یی جدا بافته است و تجربه یی جدید در عرصهء فرهنگ سیاسی، پس نباید افغانستان درد مند را برای تجربه آن بر گزید، چون افغانستان مجروح توان این تجربهء سنگین را ندارد.

افغانستان میدان منازعه جنگ جهانی سوم وچهارم

سفید روان

ژان دو مایارد، نویسندهٔ شهیر درمقاله یی تحت عنوان روح تروریسم، با اشاره به حادثهٔ ۱۱ سپتمبر می نویسد: "اولین جنگ جهانی به برتری اروپا وعصر استعمار پایان داد. دومین جنگ به نازیسم خاتمه بخشید. سومین جنگ، که عملاً به شکل جنگ سرد رخ داد به کمونیسم پایان داد. از این جنگ تا آن جنگ هر بار در جهت یک نظم واحد جهانی پیشتر رفتیم. امروز می توان از یک جنگ جهانی سخن گفت، نه جنگ جهانی سوم بلکه جنگ جهانی چهارم، تنها جنگ واقعاً جهانی، چراکه داور این جنگ خود جهانی شدن است."(۱)

در این تردید نیست که افغانستان میدان منازعهٔ جنگ جهانی سوم یا جنگ سرد بود ومبارزات دشوار وممتد مردم افغانستان به شکست وتجزیهٔ شوروی سابق منجر شد و به عمر کمونیزم پایان داد. به سخن دیگر جنگ گرم مجاهدین افغانستان در برابر شوروی سابق، به جنگ سردی که میان دوبلوک شرق وغرب در جریان بود، خاتمه بخشید.

پرسش اساسی وتأمل برانگیز در مورد افغانستان به این باور مربوط است که چگونه این کشور می تواند درحالی که از زمرهٔ عقب افتاده ترین جوامع جهان است، میدان منازعهٔ جهانی سازی یا جنگ جهانی چهارم قرار بگیرد، در صورتی که پیشرفت های علمی وفن آوری های جدید، ابزار اصلی این جنگ را تشکیل می دهد؟ باید اذعان کرد که پارادوکس مهم قضیهٔ افغانستان باطرح این پرسش آشکار می شود، چراکه در ظاهر تناسب لازم میان ماهیت جهانی سازی و وضعیت عقب افتادهٔ افغانستان به مشاهده نمی رسد.

در روزگاری که جهان به دهکدهٔ کوچک

> **عاملان وفاعلان جهانی ساز وجهانی گر با در اختیار داشتن امکانات وسیع ومدرن اقتصادی ونظامی وفن آورهای جدید اطلاعاتی جهان را در دوبلوک جداگانه قرار داده اند.**

تبدیل می شود، غالب مردم افغانستان دهکده های کوچک خود را جهان می پندارند وبه گفتهٔ برخی در جهانی که "تنها یک فشار انگشت برشصتی موش کامپیوتر ما را از قاره ای به قارهٔ دیگر می برد ونوشتن نام یک جزیرهٔ کوچک ودور افتاده، آقیانوسی از اطلاعات گوناگونی را برسرما خالی می کند و در دورانی که ماهواره ها مظاهر فرهنگ اروپایی وامریکایی را حتی تاقلب جنگلهای درهم بافتهٔ آمازون یاصحراهای فراخ افریقا می برند وبادیه نشینان را نیز از بمباران اطلاعاتی خود در امان نمی گذارند،" در چنین وضعیتی مردم افغانستان به لحاظ آنکه از مزایایی اولیه وابتدایی زندگی چون مسکن مناسب، سواد، برق و... محرومند وتحمل مشکلات بیش از دو دهه جنگ ومقاومت، توان وانرژی آنان را به کمترین حد تقلیل داده است، نمی توانند از فرایند جهانی سازی وتئوری های پیدا وپنهانی که به این فرایند جهت می بخشند، کمترین آگاهی را حاصل نمایند؛ اما با وجود این، به سبب وضعیت وشرایط خاص و مهم افغانستان وزمینه های مناسبی که برای فعالیت مجامع و قدرت های جهانی در این کشور ایجاد شده، توجه جدی این مجامع و قدرت ها را به خود معطوف ساخته است.

هر تعبیر وتفسیری را که به پذیریم، چه تعبیر وتفسیر فوکویاما(پایان تاریخ) وچه تعبیر وتفسیر هانتینگتون(برخورد تمدن ها)، مقابلهٔ اساسی در دنیای فعلی– وشاید بیشتر مقابلهٔ فکری وفرهنگی- میان مسلمانان وتمدن غرب جریان دارد ودر این میان افغانستان به عنوان کشوری که به جنگ سرد یاهمان جنگ جهانی سوم نقطهٔ پایان

> **وضعیت وشرایط خاص و مهم افغانستان وزمینه های مناسبی که برای فعالیت مجامع و قدرت های جهانی در این کشور ایجاد شده، توجه جدی این مجامع و قدرت ها را به خود معطوف ساخته است.**

گذاشت وپدیده های نوظهور وخطرناکی چون القاعده وطالبان در آن فرصت ظهور پیدا کرد، بیش از هر جای دیگر میدان برخورد تمدن غرب وجهان اسلام تلقی می شود وبه تبع توجه مجامع وقدرت های جهانی را به خود معطوف می نماید.

جهانی شدن یابه سخن بهتر جهانی سازی فعلی بی فاعل ومجهول الهویه نیست که بدون ارزش زدایی وارزش گذاری به روند خود ادامه دهد. کسانی که عملاً به عنوان جهانی ساز وجهانی گر وفاعل فعل فرایند جهانی شدن عمل می کنند، بخوبی می دانند که باید میدان بازی بزرگ وجهانی خود را در کجا انتخاب کنند وچه قواعدی را برای این بازی جهانی برگزینند.

برخی که به تئوری"پایان تاریخ" فوکویاما باور دارند وغلبهٔ لیبرال دموکراسی غربی را در جهان حتمی وبه تبع پایان تاریخ تلقی می کنند، با این اعتقاد افغانستان را میدان منازعه می دانند که در صورت غلبهٔ لیبرال دموکراسی در این کشور، تحقق آن در دیگر جوامع اسلامی به سهولت وآسانی انجام می یابد؛ زیرا که مردم افغانستان به شهامت وفداکاری بخوبی شهرت یافته وپای بندی واعتقاد به شعایر دین در زندگی آنان کاملاً مشهود است.

برخی دیگر که به تئوری برخورد تمدن های هانتینگتون معتقدند وباور دارند که بیشترین برخوردها در مرزهای میان تمدنی صورت می گیرد، افغانستان را مهم ترین مرز تمدن اسلامی وتمدن غرب می دانند که باتسلط بر آن، غرب همچنان برحصهٔ مهم جهان اسلام مسلط باقی می ماند.

در پشت این تئوری های آشکار برخی دیگر هم وجود دارند که پنهان از افکار عمومی به جدول فروش ابزارهای مدرن جنگی ومازاد کالای شرکت های چند ملیتی، چشم دوخته اند. ایتان بخوبی دانسته اندکه با پایان یافتن جنگ سرد میزان فروش ابزارهای جنگی از هشتصد ملیارد دالر در سال به کمتر از نصف تقلیل یافت وباظهور القاعده وافزایش تب فضای سیاسی جهان، بار دیگر در همان سطح هشتصد ملیارد دالر در سال افزایش پیدا کرد؛ فلهذا این گروه وگروه های ذی نفع دیگری چون مافیای بین المللی که سالیانه ملیاردها دالر از توزیع مواد مخدر سود می برند، به فضای تنش آلود وبزرگ نمایی دشمنانی شاید فرضی، بیش از هر امر دیگر امید بسته اند؛ از این رو ممکن است حوادث افغانستان بیش از دیگران توجه آنان را به خود مشغول ساخته باشد.

شایان ذکر است که باید حساب ملت های غربی که ممکن اکثر آنان صادقانه به مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر ومقولات مشابه آن باور دارند وآرزوی گسترش این مفاهیم در جوامع دیگر را به سر می پروانند- از حساب شرکت ها وگروه های مافیایی وتنش گستر جداست؛ چراکه این مفاهیم کمال وارزشمندی نهایی خود را در غرب ودر میان ملت های غربی کسب کرده اند وطبعاً درمیان آنان باورمندان صادق زیادی برای این مفاهیم ومقولات یافت خواهد شد.

اما در جناح مقابل افغانستان برای گروه های دیگری نیز حایز اهمیت است. گروه های افراطی وخشونت طلبی که نمی توانند رابطهٔ مناسب باورها واعتقادات دینی و واقعیت های دنیای فعلی را درک کنند وتنها بارویکرد ترور وخشونت به یکسان در برابر ارزشهای مثبت وارزشهای منفی جهان جدید صف آرایی می کنند. برای این گروه های

> **برخی دیگر که به تئوری برخورد تمدن های هانتینگتون معتقدند وباور دارند که بیشترین برخوردها در مرزهای میان تمدنی صورت می گیرد، افغانستان را مهم ترین مرز تمدن اسلامی وتمدن غرب می دانند که باتسلط بر آن، غرب همچنان برحصهٔ مهم جهان اسلام مسلط باقی می ماند.**

نیز افغانستان به لحاظ فقر، بی سوادی، فعال شدن شکاف های اجتماعی واز هم پاشیدن ساختار های سیاسی، میدان مناسب منازعهٔ کور، تلقی شده است.

عاملان وفاعلان جهانی ساز وجهانی گر با در اختیار داشتن امکانات وسیع ومدرن اقتصادی ونظامی وفن آورهای جدید اطلاعاتی جهان را در دوبلوک جداگانه قرار داده اند. در یک طرف کشورهای شمال وغنی که عملاً فرایند جهانی سازی را در اختیار گرفته اند ومیدان بازی های بزرگ جهانی وقواعد این بازی ها را خود انتخاب می کنند، قرار دارند ودر جانب دیگر کشورهای جنوب وفقیر می باشند که در برابر تمدن وفرهنگ غربی، در حالی که نه ابزار بازی های جهانی را در اختیار دارند ونه از قواعد این بازی ها آگاهی دارند، طرف بازی انتخاب شده اند لذا برایند ص۷

نظام آیندۀ کشور جمهوری ...

عرض خواهم کرد. ولی پیش از این که به اولویت های قانون اساسی اشاره کنم پیشنهاد می کنم که بهتر است در پهلوی کمیسیون دولتی تدقیق قانون اساسی، دوستان وشخصیت های بزرگوار ما، یک کمیسیون تدقیق وبررسی ملی، از میان شخصیت ها، دانشمندان، نمایندگان احزاب وخواهران وبرادران تشکیل بدهند واین کمیسیون به صورت بسیار دقیق ومسلسل جلسات واجتماعاتی داشته باشد تا قبل از این که مسودۀ قانون اساسی به لویه جرگه پیشکش شود وما در مقابل بحران ها وچالش هایی جدید قرار بگیریم، همین کمیسیون موضوعات را تدقیق وتحقیق کند ونتایج کار خود را جهت آگاهی مردم به نشر بسپارد، و به کمیسیون دولتی تدقیق قانون اساسی هم اطلاع بدهد. همچنان در رابطه به چگونگی نظام آینده و نحوۀ برگزاری انتخابات وسایر مسائل مهم کشوری بحث وتبادل نظر کند، ما باید بپذیریم که هنوز بحران بی اعتمادی کشور ما را تهدید می کند وشماری از ما، پیش از این که به فکر آوردن نظام باشند به اندیشۀ احراز کرسی وزارت وریاست وصدارت هستند وتلاش های اکثریت ما این است که چگونه بتوانیم مردم را به طرف خود بکشانیم وبا یک تعداد مردم قرار ببندیم. بناءً حل این گونه مشکلات، ایجاب تلاش های ملی را می کند وما باید در امتداد این خط، یک سلسله تلاش هایی را در فضای دوستانه، راجع به همه مسائل؛ راجع به نقش اسلام در زندگی سیاسی، اقتصادی واجتماعی مردم، نقش عدالت اجتماعی در سهم گیری تمام ملیت ها در سرنوشت کشورشان و روی همرفته راجع به تصمیم ملت در انتخاب زعامت ملی شان، راه اندازی کنیم، از همین رو شخصیت های بزرگ علمی وحقوقی ما باید گرد هم آیند وروی مسائل مهم وحاد کشور، بدون وابستگی های سازمانی ومنطقه یی صحبت کنند وطرحهای معقول ارایه دهند، ونظریات ملت را در رابطه به قانون اساسی ودیگر قضایا جمع آوری نمایند؛ زیرا نظریاتی را که دولت بدین شیوه جمع می کند، رهگشا وثمر بخش نیست، بلکه یک معماست. نظر خواهی در پیرامون قانون اساسی نباید به این سادگی صورت بگیرد وگذشته از آن شخصیت های بسیار متخصص ومؤثری وجود دارند که اساساً از ایشان خواسته نشده است تا در کمیسیون راه یابند ومن می ترسم که برخی ازاعضای کمیسیون توسط انجوها معرفی شده اند!

به این اساس پرسش هایی را که این کمیسیون مطرح کرده است نه علمی است و نه منطقی ونه دقیق. چون زیر سایۀ افراد رسمی چند سوالی ساخته شده است که حتی در جاهایی که عکس العمل ها جدی ومنطقی بوده همین پرسش ها هم توزیع نشده است، لذا تا حال داستانی که جریان دارد بحران آفرین است نه بحران زدا.

نکتۀ شایان ذکر دیگر این که آیا ما می توانیم قانون بسازیم در حالی که قرآن به حیث دستوری کامل در نزد ما هست؟ بلی! پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم در اولین روزهایی که در مدینه دولت را تشکیل می داد، در حالی که قرآن در حال نازل شدن بود، قانونی ساخت به نام میثاق مدینه که در آن از حقوق شهروندان، ارتباط آنان با دولت، ارتباط آن آن بایکدیگر، آزادی دین، آزادی ملیت ها، موضوع جرم وجنایتی که صورت می گرفت و حتی از حقوق و آزادی های یهودی ها تذکر به عمل آمده بود، پس ما باید بفهمیم وقتی که می خواهیم قانون اساسی بسازیم، این ساختن قانون، تعارضی دین و مذهب ندارد، منتها در قانون اساسی نمی توان تمام مسایل را به صورت تفصیلی ذکر کرد، لذا بایستی موضوعاتی مانند نظام سیاسی، حق شهروندی، نهاد های قانونی و حقوقی در کشور، شکل حکومت، حق اتباع ومسایل مربوط به شورا در قانون اساسی به عنوان خطوط اصلی مطرح شود، و روی فروعات آن بحث های تفصیلی و بیشتر صورت بگیرد و این مباحثات باید در چهار چوب ارزش های اسلامی و ملی عیار گردد. درست ما در دین دوگونه مسائل داریم: یکی مسایل مربوط به اصول کلی است و دیگری مسائل شرعی و قانونی. مسایل قانونی عبارت از یک سلسله استنباطاتی است که توسط فقها وقانون دانان صورت می گیرد، و آن در واقع همان سیستمی است که در روزهای نخست دعوت و در عصر پیامبر وجود داشت، صحابه راجع به مسائل مختلف فقهی بحث و مذاکره می کردند و به استنباط حکم می پرداختند، اما اصول کلی یک سلسله مسائلی است ثابت و تغییر ناپذیر مثل مسائل اعتقادی وغیره.

وقتی که ما می گوییم حق حاکمیت از آن خدا است؛ بدین معنا نیست که خدا خود بیاید و همه چیز را بسازد بلکه به این مفهوم است که در روشنی احکام و قوانین الهی قانون ترتیب شود و انسان ها خود حکومت شان را بسازند.

به هر صورت باز هم در ارتباط به اولویت های قانون اساسی باید بگویم که من معتقد هستم بهترین نظام برای حال وآیندۀ افغانستان، نظام جمهوری پارلمانی می باشد وما باید یک پارلمان وشورای بسیار قوی وباصلاحیت داشته باشیم تا در سایۀ آن بتواند مشکلات ملت وکشور ما حل گردد. ما بایستی جلو نظام دیکتاتوری وحکومت های فردی را بگیریم؛ چون این نوع نظام ها همیش بحران زا ومشکل آفرین بوده اند. من باور دارم تا زمانی که نظام شورایی ایجاد نشود، مشکلات ماهمچنان باقی خواهد بود، ببینید پیامبر اسلام که رسول خدا بود، درمسائل کلان، خودش شخصاً تصمیم نمی گرفت وموضوع را به شورای مسلمانان محول می کرد. بنا براین، برای از بین بردن بحران بی اعتمادی و به خاطر فراهم کردن زمینه های مشارکت ملی وبالاخره برای جلوگیری از به میان آمدن دیکتاتوری ها، نظام سیاسی ما باید پارلمانی باشد.

موضوع مهم دیگر در اولویت های قانون اساسی این است که حقوق تمام مردم وملیت های مختلف ساکن در کشور، مد نظر گرفته شود که این مسأله هم وابستگی به ایجاد یک نظام قوی شورایی دارد، ودر مورد انتصاب افراد، در لویه جرگه نظر بنده این است که ما باید از انتصاب نمایندگان صرف نظر کنیم، واین حق مردم است که نماینده های شان را خود انتخاب کنند ومن این را هم پیشنهاد می کنم که برای تحقق این هدف باید کمیسیون مستقل وبی طرف تشکیل شود که در تمام واحد های انتخاباتی، از جریان کار انتخابات نظارت کند که حق تلفی وزورگویی صورت نگیرد.

کنفرانس بررسی اولویت ها . .

ومشخص مطابق قانون می باشند. حقوق وامتیازات اتباع، مکلفیت ها و وجایب ومسؤولیت های هر فردی از اعضای جامعه ما مطابق قانون به صورت دقیق مرز بندی گردیده وهیچ گونه خلاف ورزی نسبت به میثاق های بین المللی ومواد اعلامیۀ جهانی حقوق بشر در قانون اساسی آینده وجود ندارد.

به این سؤال که چرا مسودۀ قانون اساسی در اختیار مردم گذاشته نمی شود وچرا این عروس رخ از نقاب بیرون نمی کند، پاسخ گفته شد که بعد از تدقیق متن کامل مسوده از طریق مطبوعات به دسترس مردم قرار داده خواهد شد.

عده یی از حاضران در تالار صحبت های مفصلی در بارۀ جوانب مثبت ومنفی کار تدوین قانون اساسی ارائه داشتند که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

انوار الحق احدی، عزیز الله واصفی، سید نورالله عماد، محمد صدیق چکری، استاد عبد رب الرسول سیاف وقاضی محمد امین وقاد، عبدالحفیظ منصور و مولوی غلام محمد صحبت ها وسخنرانی های مفید وارزشمندی در رابطه بازوایای قابل بحث وبرخی نکات مورد منازعه واستفهام آمیز قانون اساسی، ابراز داشتند که مورد توجه حاضرین تالار واعضای کمیسیون تدوین مسودۀ قانون اساسی قرار گرفت واستاد در اخیر کنفرانس سخنانی درباب اولیتهای قانون اساسی ایراد کردند و نظر خویش را درباره آنها بازگفتند که به گونۀ مبسوط در این شماره آمده است.

آقای عزیز الله واصفی در قسمتی از صحبت های مفصل خویش گفت: «در کنفرانس بن قانون ۱۳۴۳ مرعی الاجرا دانسته شده است پس چرا امریکایی ها افغانها را دستگیر نموده و به گوانتانامو انتقال می دهند، این امر مخالف قانون اساسی ۱۳۴۳می باشد.

باکدام صلاحیت پرچم افغانستان را تغییر داده اند. منافع ملی ما در نظر نیست. بلکه توطیه جریان دارد. و ملت در شرایط عدم اطمینان بسر می برد. تاوقتی که دولت قدرت حفاظت از قانون را ندارد قانون سازی یک کار بیهوده است.

دموکراسی خوب است، اما دموکرات ها آمده اند، ما را غلام می سازند. دموکراسی باید باشد، به شرطی که اصالت ملی حفظ شود، اما چرا رئیس جمهور از قانون سوء استفاده می کند.

پاکستان معترض است وحکومت خاموش پاکستان می گوید القاعده را دستگیر می کند، همان القاعده را که خودش ساخته است. انجوها جاسوسی می کنند وبودیجۀ وطن را غارت می کنند. ما را بادموکراسی فریب می دهند، دموکراسی برای امریکایی ها خوب است. اما آن را برای ما نمی دهند.

رئیس جمهور بااستفاده از قدرت می خواهد خود را کاندیدا کند.

باید این تفکیک شود که ملت کدام نظام را می خواهد؟

آقای احدی در قسمتی از صحبت های خویش گفت: قانون اساسی پاسخ گوی یک نظام سیاسی است. قانون باید متناقض نباشد چرا که ماده های متناقض در قانون باعث بحران می شود.

پس باید بین کلیات وجزئیات در قانون تناقض وجود نداشته باشد.

آقای احدی که رهبری حزب افغان ملت را به دوش دارد تأکید کرد که نظام سکولار در افغانستان مورد پذیرش مردم واقع نخواهد شد. ونیز فدرالیزم را که نظامی بربنیاد قومیت به سخن او بنا خواهد نهاد، یک نظام غیر مؤثر ومفید دانست.



سپس استاد عبد رب الرسول سیاف رهبر اتحاد اسلامی ویک تن از چهره های شاخص جهاد ومقاومت سخنرانی مفصلی ارائه داشت که از بسیاری جهات مورد توجه قرار گرفت: استاد سیاف در قسمتی از صحبتش تأکید ورزید:

هرقانون دو بخش دارد: یکی اصول، مبادی وارزشها و دیگری تخنیک کار وشیوۀ تدوین.

ما در موردچگونگی تدوین قانون وتخنیک طرح، تدوین یا تسوید آن مشکلی نداریم،

اما آنچه ما را از سایر مردمان وکشورهای جهان متمایز می سازد وتفکیک می کند، اصول وارزشهای دینی وفرهنگی ماست. در افغانستان کسی این جرأت را نخواهد داشت که بگوید قانون اساسی غیر دینی باشد.

استاد سیاف در قسمت دیگری از صحبت هایش گفت:

اسلام مردمی ترین نظام در دنیاست. بیایید ببینیم که اسلام به مردم حقوق امتیازات بیشتر می دهد یادموکراسی؟

خلاف رأی مردم عمل کردن مخالفت با دموکراسی است، مرغی از کسانی که در غرب تحصیل کرده اند، می خواهند همان نظام های غربی را در افغانستان پیاده کنند، در حالی که رأی مردم را در نظر ندارند.

نظام ما باید اسلامی باشد. قانون ما باید از شریعت اسلام پیروی کند.

ما از تخنیک دنیا استفاده می کنیم، مثل استفاده از ماشین، اما برای رضای مردم رضای خداوند را فراموش نمی کنیم.

من پیشنهاد می کنم با صراحت نوشته شود که یگانه مصدر تقنین شریعت اسلام است.

تناقض گویی نباشد که یک طرف بگویند اسلام است واز طرفی دیگر بگویند هیچ دستوری خلاف اسلام نباشد.

در ختم سخنرانی از استاد سیاف پرسیده شد که جایگاه پیروان شیعه وسنی در قانون چگونه پیش بینی شده است. وی گفت: ص۶

تجلیل از شخصیت فرهنگی حکیم ناصر خسرو بلخی

بار دانش

نکوهش مکن چرخ نیلوفری را	برون کن زسر باد خیره سری را
بری دان زافعال چرخ برین را	نشایدزدانش نکوهش بری را
همی تاکند پیشه عادت همی کن	جهان مرجفا را تو مر صابری را
هم امروز از پشت بارت بیفگن	میفگن به فردا مر این داوری را
چو توخود کنی اختر خویش را بد	مدار از فلک چشم نیک اختری را
به چهره شدن چون پری کی توانی	به افعال مانند شو مر پری را
ندیدی به نوروز گشته به صحرا	بعیوق مانند لاله طری را
اگر لاله پر نور شد چون ستاره	جزاز وی نپذرفت صورت گری را
توباهوش ورأی ازنکو محضران چون	همی بر نگیری نکو محضری را
نگه کن که ماند همی نرگس نو	زبس سیم و زر تاج اسکندری را
درخت ترنج از بر و برگ رنگین	حکایت کند کلهء قیصری را
سپیدار ماند است بی هیچ چیزی	ازیرا که بگزید مستکبری را
اگر تو ز آموختن سر نتابی	بجوید سر تو همی سروری را
بسوزند چوب درختان بی بر	سزاخواهی این است مربی بری را
درخت تو گر بار دانش بگیرد	به زیر آوری چرخ نیلوفری را
نگر نشمری ای برادر گزافه	بدانش دبیری و نه شاعری را
که این پیشه هاییست نیکونهاده	مرالفغدن راحت آنسری را
بلی این وآن هردو نطق است لیکن	نماند همی سحر پیغمبری را
چو کبک دری باز مرغست لیکن	خطر نیست با باز کبک دری را
پیمبر بدان داد مر علم حق را	که شایسته دیدش مرین مهتری را
به هارون ما داد موسی مر آن را	نبود است دستی بدان سامری را
ترا خط قید علومست و خاطر	چو زنجیر مر مرکب لشکری را
تو با قید بی اسب پیش سواران	نباشی سزاوار جز چاکری را
ازین گشته ای گر بدانی تو بنده	شه شرقی و میر مازندری را
اگر شاعری را تو پیشه گرفتی	یکی نیز بگرفت خنیا گری را
تو درمانی آنجا که مطرب نشیند	سزد گر ببری زبان جری را
صفت چند گویی زشمشاد ولاله	رخ چون مه وزلفک عنبری را
به علم وبه گوهرکنی مدحت آن را	که مایه است مرجهل وبدگوهری را
به نظم اندر آری دروغ و طمع را	دروغست سرمایه مرکافری را
پسنده است با زهد عمار و بوذر	کند مدح محمود مرعنصری را؟
من آنم که در پای خو کان نریزم	مرین قیمتی در لفظ دری را
ترا ره نمایم که چنبر کرا کن	به سجده مرین قامت عرعری را
کسی را کند سجده داناکه یزدان	گزیدستش از خلق مر رهبری را
کسی را که بسترد آثار عدلش	ز روی زمین صورت جایری را
امام زمانه که هر گزنرانده است	بر شیعتش سامر ساحری را
نه ریبی به جز حکمتش مردمی را	نه عیبی به جز همتش برتری را
اگر عقل در صدر خواهی نشسته	نشانده در انگشتری مشتری را
بشوزی امامی که خط پدرش است	به تعویذ خیر است مر خیبری را
ببین گرت باید که بینی به ظاهر	ازو صورت و سیرت حیدری را
نیارد نظر کرد زی نور علمش	که درداست چشم خرد ظاهری را
اگر ظاهری مردمی را بجستی	به طاعت برون کردی ازسرخری را
ولیکن بقر نیستی سوی دانا	اگر جویدی حکمت باقری را
مراهمچوخود خرهمی چون شمارد	چه ماند همی غل مر انگشتری را
نبیند که پیشش همی نظم و نثرم	چو دیبا کند کاغذ دفتری را
بخوان هردو دیوان من تا به بینی	یکی گشته با عنصری بحتری را

ناصر خسرو

حاج اسماعیل سیاه شاعر طنز پرداز

احسان پژوهش

در خطهٔ ادب پرور هرات، پنجاه وهشت سال پیش از این، فرهیخته مردی به جمع خاموشان پیوست که پژواک آهنگین سروده های او را، هنوز هم شامخ کوهپایه های میهن دیرین سال ما، به ما باز می گرداند.

گویا او هنوز هم برفراز پلی در کنار شهر هری، ایستاده وفریاد سرمیدهد:

از ظلم دزد برفقرا اسپ وخر نماند
وز چور کار دار به کس سیم وزر نماند
گفتم به رشوه خور هنر آموز، گفت: چور
بهتر ازین هنر که تو دیدی هنر نماند

این او است حاجی محمد اسماعیل مشهور به سیاه (۱۸۵۵–۱۹۴۵) که کمتر از سده یی زیست و در همه ادوار زندگی دمی از طریق خدمت به درد مندان ومحرومان جامعه باز ناستاد.

بی واهمه باسلاح طنز، هجو وهزل وانتقاد نقایص اجتماعی را برملا ساخت.

آگاهان وقوف دارند که آشنایی بادقایق اوضاع جامعه وتشخیص درستی ها از نادرستی ها برای هرکسی میسر نیست وتنها چشمان تیز بین طنز پرداز است که این باریکی ها را می بیند ودرک می کند وباسلاح رمز وطنز در برابر نادرستی ها به پا می خیزد وآن را به زبان طنز به نقد میگیرد.

حاجی اسماعیل سیاه دارای چنین استعدادی بود ودر سروده هایش جنبه های گوناگون فساد اداری، انحطاط اخلاقی، حق تلفی وبی عدالتی هایی را که از جانب دولتمردان ومجریان امور صورت می گرفت، در قالب طنز وهزل وهجو وبعضاً باصراحت دلپذیر، بیان نموده است.

یکی از کسانی که به گواهی تاریخ از زور وستم واستبداد خویش، روز روشن را برمردم هرات تیره وتار ساخته بود، محفوظ خان قوماندان کوتوالی هرات از هندی های نومسلمان بود واز مخالفان سرسخت غازی امان الله خان. این قوماندان کوتوالی تحت حمایت سردار ابراهیم خان ماماى امیرامان الله خان ومشهور به بابای کرام، قرار داشت. قوماندان کوتوالی در همدستی وحمایت والی هرات، می کوشید مردم را برضد اصلاحات امانی تحریک کند، لذا به وسائل وروش ظالمانه یی پرداخت. بزرگان ومتنفذان جامعه را به بهانه های گوناگون زندانی وسپس زندانیان را آنقدر زجر وشکنجه می داد که به بام زندان بالا شده صلوات می کشیدند وآذان می دادند.

متنفذین وثروتمندان شهر که گرفتار زجر وشکنجهٔ قوماندان شده بودند در شکم مرغ های بریان، سکه های سیم وزر را گنجانیده وبعد آن را به خانهٔ کوتوالی و والی می فرستادند وبه این صورت خود را از شرمصائب بعدی نجات می دادند.

در موارد فراوان حاجی به این قوماندان کوتوالی اشاره های صریح وکنایه های فراوان دارد. از جمله می گوید:

اند کی پرسید این ملک از چه رو آباد نیست
داد رس در ملک حاضر نیست یا خود داد نیست
عالم آزاد است خواهی روس رو، خواهی فرنگ
هیچ یک از ظلم قوماندان چرا آزاد نیست

ودر مورد دیگر گفته است:

تظلم های قوماندان کوتوالی واعضایش
شروشوری نکرد آن سان که تابرپاشود جنگی

❊ ❊ ❊

نامند رشوه را که بما هدیه می رسد
ظلمیه را به عدلیه تحویل می کنند

در همان ایام اختناق حاکم برجامعه واستبداد حکام در ولایات، ناتوانی اداره چیان در پایتخت وچشم پوشی آنان از مظالم حکام محلی، آن چنان طیف گسترده یافت که تا آن هنگان چشم روزگار ندیده بود.

از لابلای سروده های حاجی، اشاره ها وکنایات فراوانی را می یابیم که درد ورنج وفریاد داد خواهان را به تصویر کشیده است. به این ابیات توجه کنید:

روز روشن به مفلسان تار است
سر به دوش تهی دلان بار است
اسپ پر بار وملک نامزروع
هر کجا هست مال سرکار است

❊ ❊ ❊

نه برمظلوم آسایش، نه بربیچاره آرامی
نه ظالم را به خاطر از جفای دهر تشویشی
خبرده ای صبا! در خفیه مامورین دولت را
که بهر انتقام ایام دارد جمع تفتیشی

❊ ❊ ❊

او عدالت را چنین به رشتهٔ تحریر کشیده ودر آن حقایق تلخ واستخوان سوز جامعه اش را در الفاظ طنز به پیش اهل نظر قرار داده است:

دوش از عارفی خجسته خصال
کردم از شرح ظلم وعدل سؤال
که بگو ظلم چیست؟ عدل کدام؟
تابدانم من از حقیقت حال
در جواب از سر پریشانی
گفت کی پا و سر اسیر عقال...
عدل در اصطلاح کمر کجی
نام باریست شامل دوجوال
یعنی آنچه آورد به کف مظلوم
نیمی از اوست، نیمی از عمال

تعریفی که از مساوات می دهد،تکمیل کنندهٔ تعریف واژه«عدالت» است.

برما همیشه رسم مساوات جاری است
از پیش روی سلی واز پشت سر قفاق

پاورقی:
کتاب شاعر آزاد. مطبعهٔ دانش هرات. صفر ۱۳۴۸هـ ق
افغانستان در مسیر تاریخ. کابل. ۱۳۴۶، میر غلام محمد غبار

مرد قلم و سیاست


سلیمان غفورزی


خانم آمنه افضلی


فرزند شهید مقصودی


پرتو نادری


واقف حکیمی


سیدحبیب شاه حامد


صبغت الله سایق

جاری کشور و روند کارقانون اساسی ونحوهٔ برگزاری انتخابات فرمودند: اگر ما واقعاً از نقطه نظرهای انتقادی شهید دانشیار ودیگر همراهانش الهام بگیریم، می بینیم که فرایند ساختار قانون اساسی وگزینش نمایندگان مردم در لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی وسایر قضایای مهم کشوری، در هاله یی از ابهام وتاریکی فرو رفته وبدون آن که ملت در جریان قرار داشته باشد، در مورد سرنوشت آن پشت درهای بسته تصمیم گرفته می شود که در این صورت یقیناً قانون اساسی وانتخابات آینده به جای این که بحران زدا باشد بحران آفرین خواهد بود!

رهبر جهاد ومقاومت در بخشی دیگر از فرموده های خویش به مسایل مربوط به وحدت ملی وفتنه آفرینی قدرت های مداخله گر اشاره نمود، وتاکید کرد که: ملیت های مختلف این کشور، همواره درکنار هم بوده وبرادر وار زندگی کرده اند واگر قدرت ها وحلقه های معین در کشور ما دخالت نکنند وبه فتنه انگیزی دست نیازند، هیچ مشکلی درمیان ملت وجود ندارد ومایک زندگی مسالمت آمیز ودوستانه خواهیم داشت.

بعداً آقای جمعه خان خاموش قطعه شعری را که در رثای دانشیار سروده بود این گونه به خوانش گرفت:

یار دانش عالم وهشیار بود
روی این ملحوظ دانشیار بود
نوجوان وفکر او خیلی بلند
در همه علم وهنر بیدار بود

سپس رشتهٔ سخن را آقای سید حبیب شاه، به دست گرفت و ویژگی ها وبرازندگی های شخصیت او را در جمع گرایی، صداقت، جرأت انتقاد، انتقاد پذیری، دید باز، آینده نگری، تحلیل دقیق وقایع، علم دوستی، جوان مردی واعتقاد به اصل تفاهم خلاصه کرد، ونبود او را ضایعه یی جبران ناپذیر برای ملت افغانستان توصیف نمود.

سخنران دیگر این گرد همایی خانم آمنه افضلی بود که ضمن نثار درود بر روان شهدای عزیز افغانستان، شهادت جانگداز غفورزی، دانشیار، عزیز مراد، هاشمی، سجادی وزارع را ضایعه یی بزرگ خواند ودر پیرامون شخصیت دانشیار گفت:

شهید دانشیار از شخصیت های برازنده واستثنائی دوران جهاد ومقاوت بود، وتنها چیزی که برایش اهمیت داشت هدفمندی وتحقق آرمان های مقدس مردم افغانستان بود، او نسبت به خانواده های شهدا احساس و دلسوزی خاصی داشت واز فرزندان آنها همواره دلجویی می کرد.

خانم افضلی دانشیار را اسوهٔ شهامت، تقوا و وسعت نظر خواند واز فداکاری های بی شایبهٔ او و دیگر شهدای عزیز به قدر دانی یاد کرد.

پس از آن آقای پرتو نادری، باخواندن این مصراع:

پریشان می نویسد کلک موج احوال دریا را

سخنانش را آغاز کرد وگفت: معمولاً ماعادت کردیم، زمانی که دوستان درکنار ما هستند وباما نفس می کشند، کمتر به اهمیت وظرفیت های انسانی شان فکر می کنیم، وزمانی که آنها را از دست می دهیم آنگاه می بینیم که در کنار ما چه کارگاه بزرگ وهول انگیزی به وجود آمده وبعد چاره یی جز ابراز دریغ ودرد نداریم، همان گونه که شاعر بزرگ گنجه در سوگ خاقانی شاعر فرهیختهٔ هم روزگارش گفته بود:

همی گفتم که خاقانی دریغا گوی من باشد
دریغا! من شدم آخر دریغا گوی خاقانی

من هم دریغ وتأسف می کنم که امروز آقای دانشیار باآن وسعت نظر وبلند ای اندیشه یی که داشت، در میان ما نیست!

آقای نادری در قسمت دیگری از صحبت هایش، از شهید دانشیار به عنوان مردی تحلیلگر، آزاد اندیش، آینده نگر ومعتقد به ارزش های انسانی یاد کرد وتأسیس جریدهٔ صبح امید را به مثابهٔ یک جریدهٔ پرمحتوا، منحصر به فرد وممثل آزادی مطبوعات در دوران حکومت مجاهدان از کارهای درخشان این فقید عزیز، در عرصهٔ ژورنالیسم ومطبوعات تلقی کرد وخواست مقالات دانشیار در این جریده به خاطر اهمیت وفوق العادگی یی که دارد به صورت یک رساله چاپ وبه دسترس هموطنان قرار گیرد.

به تعقیب پرتونادری، آقای عبدالحی خراسانی صحبت کرد وگفت: دانشیار یکی از شخصیت های مهم فرهنگی، تمدنی وپر افتخار کشور ما بود. او از جغرافیای محدود زادگاهش بیرون رفته بود وبه سطح افغانستان ومنطقه می اندیشید وآرزوهای بلندش لبریز از عشق به وطن وخدمت به مردم بود.

خراسانی در بخشی از سخنانش مجاهدان و وارثان شهدای افغانستان را به جهاد سازندگی فراخواند وخاطر نشان کرد که مجاهدان همان گونه که دیروز در سنگرهای دفاع رزمیدند، امروز نیز بایستی در پیشاپیش سازندگان افغانستان قرار گیرند ونقش تاریخی و وجیبهٔ ملی شان را در شرایط حساس کنونی ایفا نمایند.

سپس نوبت سخن به آقای شجاع الدین مراد، برادر شهید عبدالعزیز مراد رسید موصوف از گردانندگان این محفل ابراز سپاس نموده وافزود: بهترین تجلیل از مقام والای شهدا تعقیب راه وتطبیق آرمان ها وبرنامه های آن بزرگواران می باشد.

در قسمت دیگری از این همایش عنان سخن به دست سلیمان غفورزی فرزند شهید غفورزی وآقای مقصودی فرزند شهید مقصودی داده شد که ایشان ضمن قدردانی از برگزار کنندگان محفل به روان شهدای افغانستان وشهیدان سانحهٔ هوایی بامیان درود فرستادند.

همچنان فرزند شهید مقصودی پیشنهاد کرد که باید دولت افغانستان به پاس گرامی داشت از ابر مردان سانحهٔ هوایی بامیان، روز شهادت آنان را به نام روز وحدت وهمبستگی ملی اعلان کند واز آن همیشه تجلیل به عمل آید.

گفتنی است که در این همایش محترم مولوی غلام محمد شخصیت جهادی و محترم سائق صحبت کردند ومحفل با دعائیه یی توسط محترم مولوی جمال ناصر پایان یافت.

همچنان محفل مشابهی در همین روز در تالار وزارت امور داخله به مناسبت شهادت عبدالرحیم غفورزی ودیگر شهدای سانحه، هوایی بامیان برگزار گردید. در این گردهمایی نخست پیام محمد ظاهر، شاه پیشین افغانستان قرائت شد و سپس آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی افغانستان وآقای محمد یونس قانونی وزیر معارف در پیرامون شخصیت ولیاقت شهید غفورزی سخن گفت و از خدمات شایسته وفداکاری های بی دریغ این فرزند صدیق کشور به خوبی یاد کردند. همچنان محترم استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان دراین همایش سخنانی مبسوط و پربهایی ایراد نمود و شرایط مساعد کنونی در کشور را محصول فداکاری های خستگی ناپذیر شهدای سانحه، هوایی بامیان و سایر شهیدان همیشه جاوید افغانستان تلقی کرد که جریده، مجاهد متن کامل سخنرانی استاد را در این همایش در شماره، آینده، خود نشر خواهد کرد. به همین ترتیب در این محفل آقای محمد کریم خلیلی معاون ریاست دولت، آقای سلیمان غفورزی پسر ارشد شهید غفورزی وشماری از شخصیت های دیگر به ایراد سخن پرداختند.

فرامرز

دانشیار

مردی که برای آزادی و شایسته سالاری رزمید

واقف حکیمی

عبدالعلی دانشیار یکی ازچهره های تابان وپرتحرک نهضت اسلامی افغانستان در چند دههٔ اخیر به شمار می رود و شاید کمتر کسی را در حلقه های مبارزهٔ آزادی خواهی چندین دههٔ پسین کشور سراغ کنیم که با او آشنایی نداشته باشد.

عبدالعلی دانشیار به نامهای مسیرالله دانشیار و امیر اعتماد دانشیار نیز یاد شده است. چون در سالیان مبارزه برضد فرمانروایی رژیم های وابسته به اتحاد شوروی، استفاده از نامهای مستعار کاری معمول تلقی می شد.

پدر او محمد یتیم یکی از باشندگان دهکدهٔبیدکلان از مضافات یفتل ولایت بدخشان بود.

دانشیار در سال ۱۳۳۴ در این روستا در خانواده یی متوسط در سطح آن دیار چشم به جهان گشود. او پدر را در نوباوگی از دست داد.

دانشیار به عمر ده سالگی در سال ۱۳۴۴وارد مکتب دهاتی بیدکلان شد. از آغاز دارای استعدادی بسیار خوب بود. در کنار مکتب به دارالحفاظ دهکده نیز رفت تا قرآن کریم را در پهلوی درسهای مکتب حفظ کند. تا پایان صنف سوم موفق شد پنج پاره از قرآن کریم را حفظ نماید، اما متأسفانه وقتی پس از پایان دورهٔمکتب دهاتی در دهکدهٔ شان،درسال ۱۳۴۷ به لیسهٔ پامیر در شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان آمد دیگر نتوانست همراه با پیگیری درسهای مکتب به حفظ متباقی قرآن کریم نیز ادامه بدهد.

دوران مکتب خواندن دانشیار مصادف به سالهای پرتلاطم افکار و برخورد اندیشه های فلسفی و مکتب های سیاسی در افغانستان به ویژه در عرصهٔمکاتب و دانشگاه کابل تلقی می شود.

بدخشان در آن سالها با آن که در گوشه یی از افغانستان قرار گرفته بود یکی از مراکز عمدهٔ فعالیت های اندیشگی وسیاسی به حساب می آمد، به گونه یی که هر تحول سیاسی ـ فکری به زودی در آن جا پژواکی به وجود می آورد. در میان افکار سیاسی آن زمان دو جریان فکری سوسیالیستی واسلامی درجمع روشنفکران و دانشگاهیان درافغانستان به گونه یی عام و دربدخشان به خاص طرفدارانی زیاد داشت و پیوسته در میان این دسته ها مباحثات ودرگیری هایی فکری وایدئولوژیک برپا بود. دانشیار در همان سالها پیش از رفتن به دورهٔ ثانوی به گروه اسلامی اندیشان در لیسهٔ پامیر پیوست. در آن زمان شهید محمد کاظم شارقی و شهید سراج الدین اکبری و شهید عبداللطیف صدیقی وانجنیر ابو بصیر ودیگران در لیسهٔ پامیر، و شهید عبدالمحمد شحنه و شهید دکتر غیاث الدین زاهد و کسانی دیگر در لیسهٔکوکچه از پیش کسوتان مبارزهٔ اسلامی بودند.

دانشیار بیشتر از همه زیر تربیت شهید عبداللطیف صدیقی قرار گرفت. در بحثهایی اندیشگی و ایدئولوژیک که در می گرفت هر طرف برای تقویت پایه های استدلال و منطق خویش به بزرگان روند فکری خود مراجعت می کرد.

شهید فیض الرحمن فایض و معلم محمد نعیم خان وشهید استاد سیف الرحمن سایف و استاد شهید سیدعبدالشکور مصطفوی در آن ایام از اندیشه ورزان مسلمان درشهر فیض آباد بودند. در آن میان حقا که استاد فایض از لحاظ پرورش روحی و استاد مصطفوی از لحاظ اندیشگی منزلی بس بالا داشتند. دانشیار به همهٔ اینان رجوع می کرد و ازهمهٔ اینان بهره می گرفت.

زمانی که شهید عبداللطیف صدیقی از لیسهٔپامیر فارغ شد، رهبری جناح اسلامی اندیش در این لیسه را دانشیار به دوش گرفت.

دانشیار از صنف چهار تا دوازده،دورهٔ مکتب را در یک چنین جوی فکری– سیاسی ، در لیسهٔ پامیر به سر آورد تا آن که در سال ۱۳۵۶ فراغت حاصل کرد.

دانشیار پس از فراغت از لیسه، پامیر وارد دار المعلمین تخار در شهر تالقان شد. او دراین جا نیز سمت رهبری جوانان مسلمان را به عهده گرفت.

زمانی که حزب دموکراتیک خلق در هفتم ثور ۱۳۵۷ قدرت سیاسی را دردست گرفت، در نهم همین ماه دانشیار به فیض آباد آمد و همه، بزرگان جنبش اسلامی را گرد آورد و برای شان مشورت داد که باید همگی راه هجرت در پیش گیرند چون شناختی که او از این گروه دارد آنان "بر دیوانگان هم رحم نخواهند کرد."

بزرگان کمتر به سخنان دانشیار گوش دادند، اما خودش با جمعی از دوستانش از شاگردان لیسه، پامیر رهسپار دیار هجرت شد.

دانشیار از همان وهله یی که به پاکستان رسید آرام نگرفت و به گونه، یک فدایی جهت سازماندهی فعالیت های سیاسی پس از یک ماه ماندن در شهر پیشاور دوباره وارد افغانستان گردید. در بغلان و قندز وتخار با سران نهضت دیدار کرد و با فعالان نهضت در بدخشان رابطه بر قرار نمود. سپس به شهر مزار شریف رفت و پیام های رهبری جهاد را برای شهید ذبیح الله و محصلان دار المعلمین مزار رسانید. البته این زمانی بود که شماری از آنان در همه،این ولایت ها به زندان ها رفته بودند و انتظار اعدام را می کشیدند. دانشیار تا آخر سال ۱۳۵۸ چندین بار به این کار دست زد و با آن که اقدام به این کار بسیار مخاطره آمیز بود در

ص ٦

کنفرانس بررسی اولویت ها...

ما هردو اهل قبله هستیم، ما هردو مسلمان هستیم، شیعه وسنی به خدا، قرآن وپیامبر اکرم ایمان دارند. مشکلی وجود ندارد. قانون باید موضوع را حل کند.

عبدالحفیظ منصور مدیر مسؤول پیام مجاهد ضمن صحبت مختصر پیشنهادهای جدی وارزشمندی بیان داشت که مورد توجه قرار گرفت. مهمترین خطوط این پیشنهاد چنین بود:

«نوع نظام سیاسی افغانستان مهمترین قسمت قانون اساسی ما را تشکیل می دهد، غفلت وسطحی نگری بازهم یک رو پوش خواهد شد، برای مداخلهٔ بیشتر خارجی ها درکشور.

مرحلهٔ موجود یک مرحلهٔ حساس بین گذشته وآینده است. قدرت باید از نزد افراد وگروه ها خارج گردید و به مردم تفویض شود. این امر ممکن نیست مگر از طریق پارلمان. ما باید پارلمان باصلاحیتی داشته باشیم. پارلمان متشکل از نمایندگان منتخب مردم ونه پارلمان های انتصابی فوق قانون.»

قاضی محمد امین وقاد عضو کمیسیون تدقیق قانون اساسی یکی دیگر از سخنرانان محفل بود که غرض توضیح پاره یی از مطالب وارائهٔ پاسخ برای آنها در برابر حاضرین قرار گرفت.

قاضی محمد امین وقاد این چنین ابراز نظر کرد: قانونی که روی دست داریم، قانونی نیست که ضد دین باشد.

نمایندگی مقاومت ومجاهدین اگر نمی بود توافقات بن جهت نمی یافت.

قانون اساسی فعلاً مسوده است ومسودهٔ قانون کامل نیست. بعد از تأیید لویه جرگه، قانون اساسی، مشروعیت خواهد یافت.

در قانون اساسی مردم محور اصلی واساسی تعیین قدرت دولتی، شورای ملی وشورا های ولایتی هستند.»

در قسمت پایانی محفل آقای چکری مطالبی را بیان داشت که از نظر می گذرد:

پارلمان منتخب مردم، باید قانون اساسی را تصویب کند.

کشورهایی که در تأمین امنیت با ما همکاری می کنند در امور ما باید مداخله نکنند.»

آقای سید نور الله سیدنورالله عماد نیز به صحبت پرداخت وگفت: «ماقانون را ندیده ایم پس روی چه بحث کنیم؟

سپس استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت رهبر جهاد ومقاومت هنگامی که محفل روبه اختتام می رفت در خطاب به حاضرین سخنان ارزشمندی ایراد کردند که متن کامل آن در همین شماره به نشر رسیده است.

دانشیار مردی که برای آزادی و شایسته...

هربارهمراه باموفقیت هایی برگشت.

دانشیار جهت انجام کارهای سیاسی و فرهنگی در سال ۱۳۵۹ به کشور جمهوری اسلامی ایران رفت. او در سازماندهی مهاجران افغانستان در ایران نقشی بارز بازی کرد و چندین بار در تهران و اصفهان و شهر های دیگر ایران تظاهراتی بزرگ بر ضد رژیم کمونیستی و اشغالگران شوروی به راه انداخت.

> **دوره‌ء تحصیلات دانشگاهی اش در دانشگاه تهران برای او این فرصت را داد تا او با طیفی گسترده از دانشمندان و پژوهشگران کشور ایران و افکار واندیشه های آنان آشنا شود**

دانشیار در طی اقامتش در ایران مدتی مدیریت مسؤول نشریه‌ء هفتگی "انقلاب اسلامی" ارگان نشراتی دفتر جمیعت اسلامی در تهران را عهده دار شد و از این راه گروهی از فرهنگیان و نویسندگان را در جهت اهداف مبارزه بر ضد اشغال بسیج کرد. و با نهادها و شخصیت های سیاسی و فرهنگی زیاد در آن کشور رابطه بر قرار کرد و از این رابطه به سود انقلاب استفاده نمود.

دانشیار همواره به حال جوانان توجهی ویژه داشت، با زمینه هایی که در ایران فراهم آورده بود، شماری گسترده از آنان را جهت فراگیری آموزش های فرهنگی در دوره های مختلف به کشور جمهوری اسلامی ایران برد. بسیاری از آنان با چیزهایی که در آن جا فرا گرفته بودند مصدر خدماتی ارزنده در عرصه‌ء فرهنگ و آموزش های نظامی در هنگام جهاد شدند.

دانشیار پس از این دوره مدتی در پیشاور به فعالیت پرداخت و در این وقت زمانی مدیریت مسؤول "مجاهد" ارگان نشراتی دفتر مرکزی جمعیت را به دوش گرفت.

دانشیار در زمینهٔ کارهای فرهنگی به ویژه در هنر پوستر پردازی از رویداد های جهاد و شخصیت های آن بسیار ماهر بود، برای بسیاری از فرماندهان نامدار آن زمان که به شهادت رسیدند ویا کاری بزرگ انجام دادند دانشیار پوستری پرداخته است.

یکی از کارهای بارز در این عرصه البومی است از رویداد های جهاد در بدخشان که آن را "جهاد در بدخشان به روایت تصویر" نام گذارده است.

دانشیار همیشه دغدغه‌ء به پایان رسانیدن تحصیلات عالی اش را در سر داشت تا آن که در اواخر دهه‌ء شصت هجری توانست به دانشکده‌ء حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه تهران راه یابد و در سال ۱۳۷۱ از آن جا فارغ التحصیل گردد. دوره‌ء تحصیلات دانشگاهی اش در دانشگاه تهران برای او این فرصت را داد تا او با طیفی گسترده از دانشمندان و پژوهشگران کشور ایران و افکار واندیشه های آنان آشنا شود که از آن میان می توان استاد چنگیز پهلوان دانشمند افغانستان شناس و دکتر حسین بشریه و دکتر احمد نقیب زاده ودکتر حسین سیف زاده از استادان دانشگاه تهران و دیگران را نام برد. در این وقت دانشیار در کنار درس دانشگاه مسؤولیت بخش فرهنگی دفتر جمعیت اسلامی را در تهران نیز به دوش داشت.

دانشیار پس از پیروزی جهاد در سال ۱۳۷۱ به عنوان سکرتراول سفارت افغانستان در تهران مقرر شد. یک سال بعد از آن به کابل آمد و در دانشکده‌ء حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه کابل به عنوان اسستانت به تدریس آغاز کرد.

زمانی که شهید جاویدان احمد شاه مسعود تشکیلات شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان را به دلیل پایان یافتن فلسفه‌ء وجودی آن ملغی قرار داد، و در چهار چوب جمعیت اسلامی نهادی به نام دفتر تشکیلات ایجاد شد که به کار سامان دادن به برنامه ها و فعالیت های جمعیت بپردازد، آن شهید بزرگ در رأس آن قرار گرفت و دانشیار سمت معاونت وی را عهده دار گردید.

دانشیار با طیف‌های گوناگون روشنفکران و سیاستمداران در گروه ها و احزاب مختلف رابطه یی تنگ بر قرار کرده بود. او در زمانی که کابل زیر راکت های آقای حکمتیار وهمدستانش فریاد می کشید چندین بار با جمعی از خیرخواهان به چهار آسیاب به نزد وی رفت تا او را به ترک راکتباران کابل وا دارد.

یکی از ویژگی های بارز دانشیار توانایی و هنرمندی او در نقد درونی بود، او از کار نقد به خوبی به در می آمد و در نقدش بسیار با صراحت وپر صلابت و پرشدت بود. بزرگان همواره از نقدهای او می هراسیدند و او نیز پیوسته به نقد کژی های درون می پرداخت تا مدح خوبی های برون.

باوجود این دانشیار دارای یک نوع جذابیت خاص بود که در حین نقادی اش از برنامه ها و کرده های مقامات بالا، از احترام وجایگاهی ویژه در نزد آنان برخوردار بود.

دانشیار در این وقت در پهلوی کارها و مشاغل دیگرش نهادی را در میان بدخشانیان به وجود آورد به نام "شورای بدخشان در کابل" ونشریه یی بلند وبا اعتبار را به نام دو هفته نامه‌ء صبح امید به راه انداخت که گروهی از فرهنگیان کشور در پیرامون آن گرد آمدند. بی تردید نشریه‌ء صبح امید در این وقت یکی از نشریه های بسیار گرانسنگ در تاریخ مطبوعات افغانستان به شمار می رود که در آن نقش دانشیار به عنوان صاحب امتیاز و مؤسس نیز ماندگار است.

دانشیار پس از سقوط کابل به دست طالبان در میزان سال ۱۳۷۵ با دیگر مقاومتگران به شمال کشور رفت تا در مقاومت بر ضد جریان مزدور طالبان واشغالگری نوین سهم بگیرد. او مجدانه در این راه تلاش ورزید.

در اسد سال ۱۳۷۶ عبدالرحیم غفورزی وزیر خارجه‌ء دولت اسلامی افغانستان به عنوان نخست وزیر افغانستان برگزیده شد و برای تشکیل یک حکومت فراگیر که همه لایه های سیاسی و قومی افغانستان در آن احساس حضور کنند به فعالیت آغاز کرد و به دیدار و تفاهم با شخصیت های مؤثر در روند حوادث افغانستان در داخل وخارج کشور پرداخت. یک هیأت از مقامات بلند پایهٔ مقاومت او را در این سفرها همراهی می کردند. که دانشیار از آنان بود. این هیأت در خلال دید و وادیدهای شان در روز سی ام اسد سال ۱۳۷۶ قرار بود جهت انجام مذاکراتی با آقای کریم خلیلی به بامیان بروند. افزون بر دانشیار در این سفر عبدالعزیز مراد رئیس دفتر مطبوعاتی ریاست دولت وانجنیر سید یزدان شناس هاشمی وسید محمد امین سجادی و دکتر عبدالکریم زارع واستاد عارف پاکروان وعبدالحسین مقصودی و رحیم رفعت وحاجی عبدالقهار و توریالی فورمولی و چند تنی دیگر صدر اعظم دولت را همراهی می کردند. هواپیمای حاملشان حین نشستن بر فرودگاه شهر بامیان به زمین خورد و متلاشی شد وجز دو تن از سر نشینان آن، حاجی عبدالقهار و توریالی دیگران همگی به شهادت رسیدند. انا لله وانا الیه راجعون.

از دانشیار افزون بر مقالاتی فراوان در عرصه‌ء فرهنگ وسیاست که در دوران مدیریت مسؤولی اش در نشریه های انقلاب اسلامی و مجاهد وصبح امید به چاپ رسیده است یک کتاب در تحلیل اوضاع ومسایل سیاست افغانستان در دوران تجاوز شوروی بر جای مانده است

> **دانشیار دارای یک نوع جذابیتی خاص بود که در حین نقادی اش از برنامه ها و کرده های مقامات بالا، از احترام وجایگاهی ویژه در نزد آنان برخوردار بود.**

به نام "جنگ افغانستان و شوروی، عامل فروپاشی جهانی کمونیسم" که در بیشتر از چهار صد صفحه مسایل جهاد افغانستان و اثر این حادثه، در فروپاشی اتحاد شوروی و نظام های کمونیستی در جهان را در آن به بحث گرفته است و از این لحاظ برخی از مسایل تاریخ معاصر افغانستان را ثبت کرده است.

دانشیار متأهل بود. پس از خود سه فرزند، دو دختر و یک پسربه جا گذاشته است.

روانش شاد ویادش گرامی باد!

حزب متحد ملی در برابر...

واکنش های داخل افغانستان نشان می دهد که حزب متحد ملی، مشکلات اندکی را در پیشرو ندارد. ولی در جانب دیگر محمد عیسی که رهبری حزب وطن را بعد از دکتر نجیب در غرب به عهده گرفته است، نیز از ایجاد حزبی تحت رهبری علومی انتقاد کرده است.

محمد عیسی که در آلمان به سر می برد گفته است که کنگره‌ء حزب وطن او را به این سمت برگزیده است و تا تدویر کنگره‌ء بعدی در پست خود باقی خواهد ماند. شیر جان مزدوریار یکی از وزرای رژیم کمونیستی که از او به عنوان عضوهیأت رهبری حزب، نام برده شد، نیز از عضویت در حزب متحد ملی انکار ورزیده است.دیده شود که حزب متحد ملی با پیشینه‌ء نه چندان میمون در برابر موج فزاینده یی از مخالفت ها وموضع شدید دولت در برابرش چگونه می تواند راهش را به سوی آینده باز کند.

امریکا هر سال ششصد میلیون دلار به پاکستان کمک می کند

حکومت ایالات متحدهٔ امریکا تصمیم گرفته است از آغاز سال آینده سالانه ۶۰۰ ملیون دلار امریکایی به پاکستان کمک نماید.

بنابرنوشتهٔ مطبوعات پاکستان این تصمیم در جریان مذاکرات اخیر جورج بوش وجنرال پرویز مشرف در کمپ دیوید گرفته شده است.

این پروسه تا شش سال دوام خواهد کرد که در مجموع به سه ملیارد.دلار خواهد رسید.

خانم نانسی پاول سفیر امریکا در اسلام آباد گفت از ششصد ملیون متذکره سه صد ملیون آن در بخش نظامی ومتباقی در دیگر سکتور ها به مصرف خواهد رسید.

مشخص نگردیده است این پاداش در ازای همکاریهای حکومت پاکستان ظاهراً در عملیهٔ سرکوبی طالبان والقاعده صورت گرفته است ویا به خاطر اعزام سربازان پاکستانی به عراق.

اولویت های معشوقهٔ ...

قرار می گرفت. سخنرانان کمتر به اولویت ها پرداختند واین دغدغهٔ خاطر درهمه گفتار ها منعکس بود که دلیل این که مسوده تا کنون در دسترس ملت قرار نگرفته چیست؟

در چنین فضایی حاکی از ابهام و با توجه به بستر های فکری متفاوت سخنرانان از به اصطلاح ملی گرا گرفته تا بنیادگرا، در موارد بسیار مهمی اتفاق نظر دیده شد که اشاره به آن لازم است.

همه سخنرانان روی این نکته توافق داشتند که قانون اساسی برای هر کشور از نیازمندی های عمده به شمار می رود. هرچند از سخنان استاد سیاف برداشت بعضی ها این بود که گویا

قانون باید مشارکت ملی را تضمین نماید تا وحدت ملی تقویت گردد

ایشان برای یک جامعهٔ اسلامی قانون اساسی را لازم نمی دانند. این برداشت از آنجا ناشی شد که استاد با استناد به آیهٔ ان الحکم الا لله شریعت اسلامی را یگانه منبع تقنین دانست وانفاذ قوانین ناشی از غیر شریعت را رد کرد. منظور استاد سیاف این بود که قانون اساسی باید بربنیاد شریعت اسلامی به میان بیاید و علمای دین که از نظر اسلام اهل عقد و حل خوانده می شوند در تدوین چنین قانونی باید سهم عمده داشته باشند. او گفت: در قانون آیندهٔ کشور یگانه مصدر تقنین باید شریعت اسلامی باشد.

از سخنان اعضای کمسیون تدقیق به خوبی واضح بود که ایشان بیش از حد به مسألهٔ راه وسط توجه کرده اند. دیدگاههای متفاوت با هم متقارن گردیده و تلفیق شده است تا هیچکس از آنان ناراضی نباشد. مثلا نه فدرال و نه تمرکز شدید. نه نظام ریاستی و نه پارلمانی کمی از این و کمی از آن!

آقای انوارالحق احدی بیش از دیگران موضوع سمینار را رعایت کرد و از اولویت ها سخن گفت که از نظر او عبارت بودند از:

حاکمیت قوانین اسلامی باید مسجل باشد زیرا اکثریت مطلق ملت مسلمان است.

حکومت باید از طرف مردم انتخاب شود

قانون باید مشارکت ملی را تضمین نماید تا وحدت ملی تقویت گردد.

قانون باید حدود صلاحیت ها را بصورت شفاف مشخص سازد تا از مشکلات ناشی از مشخص نبودن حدود صلاحیت ها جلوگیری گردد.

قانون باید مانع از زورگویی دولت در برابر ملت باشد.

احدی و مانند او دیگران نیز سیستم فدرال را برای کشوری چون افغانستان زیانبار دانستند و ابراز نظر نمودند که چون فدرالیسم در شرایط فعلی کشور بر بنیاد قومیت به وجود خواهد آمد، مغایر با هدف بسیار مهم یعنی تحکیم وحدت ملی خواهد بود.

اما بیشترین انتقادات بر سیستم حکومت واردشد. در این قانون بر پایهٔ ابراز نظرهای اعضای حاضر کمیسیون تدقیق قانون اساسی صلاحیت های اجرائی هم برای رئیس جمهور و هم برای صدراعظم در نظر گرفته شده است.

سخنرانان و نیز آنانی که در بحث ها شرکت کردند و یا سوالاتی را مطرح نمودند، چنین سیستمی راکه برگرفته از شیوهٔ حکومت در فرانسه است، برای کشوری چون افغانستان مضر و غیر عملی دانستند و تمایلی قوی تر به سوی نظام پارلمانی دیده شد. همه در این نکته اتفاق نظر داشتند که در چنین سیستمی (نیمه ریاستی و نیمه صدارتی)، ارتباط مؤسسات دولتی باهم تناقضات علمی و منطقی دارد. وقتی سیستم جمهوری نیمه ریاستی در کشوری چون فرانسه با آن همه تجربهٔ طولانی در دموکراسی مشکل آفرین است، در افغانستان هرگز عملی نخواهد بود.

محترم عزیز الله واصفی این نکته را که در مسودهٔ قانون اساسی نظام آیندهٔ کشور جمهوری تعیین شده است مورد سوال قرار داد و گفت که تصمیم در این مورد در صلاحیت کمیسیون و دولت نبوده و این حق را فقط ملت دارد. کرزی چون خود می خواهد در آینده باردیگر رئیس جمهور باشد این خدعه را درست کرده است.

واصفی که عادت دارد آنچه را که در دل دارد بی پرده بیان کند حتی تصویب قانون اساسی آزاد را در فضای فعلی کاری ناممکن خواند و گفت که در شرایطی که خارجی ها برما مسلط اند و ملت قدرت ندارد، به میان آمدن یک قانون اساسی آزاد چگونه ممکن خواهد بود؟

آقای واصفی به عنوان مثال تخطی از قانون اساسی سال ۱۳۴۳ را توسط حکومت آقای کرزی نشانه یی از بی ارادگی این حکومت در برابر خارجیان دانست و گفت: ماده ۲۷ قانون اساسی به صراحت می گوید که (هیچ افغان بعلت اتهام به یک جرم به دولت خارجی سپرده نمی شود) اما تاکنون عدهٔ زیادی از افغانها به آمریکایی ها سپرده شده اند که اکنون در گوانتانامو زندانی اند. او لویه جرگهٔ گذشته را نیز خدعه و نیرنگ و خاک پاشیدن به چشم ملت خواند.

استاد ربانی در سخنان خود از این که در کمیسیون تسوید و تدقیق نمایند گان مؤسسات غیر دولتی صاحب نفوذ بوده اند انتقاد نمود و گفت که در حالی که شخصیت های بسیار صاحب نظر دیگری وجود داشتند ولی از این پروسه دور ماندند. ایشان پیشنهاد نمودند تا یک کمیسیون ملی تدقیق قانون اساسی متشکل از افراد صاحب نظر از همه اقشار جامعه به وجود آید تا قانون اساسی به شکل همه جانبه تر مورد تدقیق قرار گیرد.

این سمینار نشان داد کسانی که دور از هم شخصیت هایی با طرز فکر های دور از هم شناخته می شوند، وقتی نظریات خویش را در کنار هم قرار دهند، وجوه تشابه بیش از وجوه افتراق است.

بی اختیار بیاد دوران پیشاور افتادم که روزی در نشاط میل جلسه یی با

قانون باید مانع از زورگویی دولت در برابر ملت باشد

شرکت جمعی از شخصیت های سلطنت طلب دایر گردیده بود. این جلسه توسط عده یی از مخالفان مورد حمله قرار گرفت و بهم زده شد. غوغای آن روز را هنوز در ذهن دارم. آن روز گرایش ها چقدر متضاد به نظر می آمد ولی امروز چنین نیست. اکنون که سر ما به سنگ خورده است می دانیم که باید همدیگر را تحمل کنیم تا به استقبال فردای روشنتر برویم و چه مبارک است اگر این سلسله تداوم یابد.

ژورنالیزم برای صلح

دکتر صدیق الله ویرا
استاد مرکز تحقیقات صلح در پوهنتون مکماستر - کانادا

قسمت چهارم

گزارش دهی در بارهٔ مهاجرین

باکسانی مصاحبه کنید که آنچه را بر سر شان آمده است اظهار کرده بتوانند.

باکسانی مصاحبه کنید که به چشم خود آنچه را واقع شده است دیده باشند.

آنچه را از کسی شنیده اید و یا از شایعه یی منشأ گرفته است به حیث واقعیت راپور ندهید

ارقام و تخمینهائی راکه مؤسسات می دهند بدون تثبیت به حیث واقعیت گزارش ندهید (مؤسسات شاید به خاطر جلب کمکهای بیشتر در ارائهٔ ارقام مبالغه کنند).

اعمال زشت، غیرانسانی و بی رحمانه را از هر طرفی که باشد گزارش بدهید بدون این که دلایلی برای موجه نشاندادن آن ارائه نمایید.

درجستجوی علتهای عمیق خشونت و جنگ شوید.

متوجه اهداف کسی که شما را نزد مهاجرین می برد باشید شاید آنها از اجازه دادن به شما هدفهای خود را داشته باشند و شاید قصداً یک جهت واقعیت را به شما نشان دهند.

گزارش دهی از دشمنی های دوامدار

در موردلین که اعمال جانب الف بر زند گی مردم جانب ب چه اثراتی دارند گزارش هایی مفصل بدهید.

در مورد این که چگونه دوام حالت کنونی سبب ادامهٔ جنگ در آینده خواهد شد بنویسید.

ترسهای مهم جانب الف و ب از همدیگر کدامهایند؟

نظریات مردم یا متخصصین در مورد راههای صلح را پیدا کنید و به نشر برسانید.

راههای حل قابل قبول برای تمام طرفها را دریافت نمایید و نشر کنید.

گزارش دهی در مورد برنامهٔ صلح

در موارد ذیل بنویسید:

آیا تمام گروهها در مذاکرات شامل ساخته شده اند یا نه؟

آیا برنامه صلح برای همه قابل قبول است یا خیر؟

آیا صلح دوام خواهد کرد، اگر نه چه تدابیری لازم دارد؟

آیابرای تطبیق برنامه صلح نقش ها مشخص ساخته شده است؟

آیا در برنامه صلح، آوردن آشتی بین گروههای متخاصم سابقه در نظر گرفته شده است یا خیر؟

آیا برنامهٔ صلح جنگهای تازه را سبب خواهد شد؟ **پایان**

افغانستان میدان منازعه

تفاوت های موجود، بلوک جنوب وفقیر را به تأثیر پذیری وتضعیف ارزشهای فرهنگی واعتقادی دچار ساخته است وبه تعبیر ژان دوما یارد:"جهانی سازی به ثروتمندان امکان دخالت در دنیای محرومان را داده اما بالعکس امکان دسترسی محرومان را به دنیای ثروتمندان گرفته است."(۲) سخنان ادواردوگالئو، اروگوئه ای، این تفاوت ودوگانگی جهان را به نحو واضح بیان می کند:"هیچ گاه تکنولوژی ارتباطات تا این حد پیشرفته نبوده است وباوجود این جهان ما هر روز از پیش به امپراتوری لالها شبیه تر می شود. تملک رسانه های گروهی بیش از بیش در اختیار تعداد کوچکی از قدرتمندان است که امکان رابطه باطیف عظیمی از شهروندان جهان را دارند. تعداد کسانی که حق دیدن وگوش کردن را دارند روز به روز افزایش می یابد در حالی که تعداد کسانی که امتیاز اطلاع دادن وبیان کردن وآفرینش وخلق را دارند به طور سرسام آوری کاهش می یابد. دیکتاتوری تک کلامی وتک تصویری که از تک حزبی فاجعه بارتر است برهمه جایک شیوه زندگی را تحمیل می کند ونشان شهروند نمونه را به مصرف کنندهٔ مطیع، تماشا گر منفعل که به شکل کارخانه یی در سطح جهانی ومبتنی برالگوی تلویزیون تجاری امریکا ساخته می شود، اعطا می کند. ثروت صد نفر از ثروتمند ترین افراد جهان بیشتر از کل ثروت یک میلیارد ونیم ساکنان کل جهان است. براساس آمار ملل متحد وبانک جهانی، نابرابریها در سی سال اخیر دوبرابر شده اند. آزادی جهان شمول بیان، در واقع عبارت است از ایجاد شرایطی که حاشیهٔ جهان از اوامری که مرکز صادر می کند تبعیت کنند بی آن که حق مخالفت با ارزشهایی که تحمیل می کند را داشته باشند. کتاب اخلاق پایان این قرن بی عدالتی را محکوم نمی کند بلکه شکست را محکوم می کند."(۳)

بنا براین باتوجه به دوگانگی ومنازعهٔ موجود میان دو بلوک شمال وجنوب وبخصوص میان تمدن غرب وتمدن اسلامی ودر حالی که افغانستان یکی از میدان های مهم این منازعه می باشد، رسالت بس بزرگ به عهدهٔ روشن فکر دینی کشور- که مخاطب اصلی این مقال است- می باشد. روشن فکر دینی باید در دو موضع به مقابله برخیزد: در یک موضع در برابر افراط گرایی کهنه که به خشونت وترور فرا می خواند و در موضع دیگر در برابر غرب گرایی وغرب زدگی که به استحالهٔ ارزشها وباورها کمر بسته است. رسالت روشنفکر دینی به این لحاظ اهمیت یافته است که همزمان باید هم به باورها واخلاق دینی به نحو احسن معتقد وآراسته باشد تا بتواند در برابر ادعای دین خواهی ودینداری افراط گرایان خشونت طلب مقابله کند وهم به ارزشها ودست آوردهای مثبت تمدن جدید باور واعتقاد داشته باشد تا بتواند شعار نوسازی واصلاحات اجتماعی را از دست غرب زدگان وغرب باوران بستاند.

بدون تردید در اوضاع ملتهب ونگران کنندهٔ فعلی که افراد جامعهٔ ما غالباً به بر آورده شدن نیازهای اولیه وابتدایی خود مشغولند، انجام این رسالت، بس دشوار وسنگین خواهد بود وبه آگاهی، دقت وصبر زیاد نیاز خواهد داشت.

پی نوشت ها:

۱- جریدهٔ فرانسوی لوموند، اکتبر۲۰۰۱

۲- همان مرجع

۳- به نقل از کتاب خودکاوی ملی در عصر جهانی شدن مقالهٔ سارا شریعتی.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره ۴۱ چهارشنبه ۵ سنبله ۱۳۸۲ ۲۹ جمادی الاخر ۱۴۲۴ - 27 August 2003

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

وزارت اطلاعات وفرهنگ در نشر گزارش های رسمی استبدادی عمل می کند

آژانس خبرگزاری رسمی دولت بدون در نظر داشت اصالت مسلک ژورنالیسم و توجه به مسألهٔ امانت داری عمل می کند.

سوال بر انگیز است که مقامات مسؤول دولت انتقالی اسلامی افغانستان هنگام تدویر مجالس و محافل از استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت افغانستان که شخصیت شناخته شدهٔ عرصه دانش و سیاست به حساب می آیند، دعوت رسمی به عمل می آورند، اما گردانندگان وزارت اطلاعات و فرهنگ هنگام نشر اخبار وگزارش مورد نظر، از ذکر نام و نشر سخنرانی ایشان در رادیو و تلویزیون جلو گیری می نمایند.

پرسیدنی است که علت چیست؟ آنانی که مدعی دموکراسی و آزادی بیان اند و از رفع سانسور سخن می گویند، چرا در عمل، خلاف عرف و اخلاق ژورنالیسم، دست به اعمالی می زنند که بیانگر عدم پابندی آنان به اصول واساسات خبر رسانی می باشد.

نشر اخبار وگزارش های خبری باید بدون حب وبغض فردی و بدون توجه به علایق شخصی، یا گروهی فقط بر مبنای بی طرفی کامل صورت پذیرد و هدف باید دادن آگاهی به مردم باشد.

حزب متحد ملی در برابر واکنش های جدی

اخیراً در کابل سازمان سیاسی دیگری زیر نام "حزب متحد ملی" اعلام موجودیت کرد.

در نشستی که اعضای این حزب در رستورانت شگوفه بهار کابل، ترتیب داده بودند، گردانندگان و مسؤولان بخش های مختلف آن حزب، معرفی گردیدند.

در میان چهره هایی که از آن ها نام برده شد، کسانی حضور داشتند که در حوادث بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ و رژیم هایی که در نتیجهٔ آن کودتا به وجود آمد، نقش کلیدی داشتند.

حزب متحد ملی به عنوان ادامه دهندهٔ راه حزب وطن و حزب دموکراتیک خلق افغانستان معرفی شده است که آخرین منشی عمومی ورئیس جمهوری آن (داکتر نجیب الله) در پنجم میزان ۱۳۷۵ به دست نیروهای طالبان، اعدام گردید.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان که از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ حکومت تک حزبی استبدادی را در کشور رهبری می کرد؛ از آغاز ایجاد دستخوش چند پارچگی بود.

نور محمدتره کی، حفیظ الله امین، ببرک کارمل، دکتر نجیب، سلیمان لایق ودستگیر پنجشیری و تعدادی دیگر جناح های مختلف آن حزب را رهبری می کردند که در دوران زمامداری شان، تضادهای مختلفی در میان آن ها شدت گرفت و حتی منجر به قتل یکی به دست دیگری گردید.

در حال حاضر جنرال نور الحق علومی که در هنگام زمامداری دکتر نجیب قوماندانی قول اردوی کندهار را به عهده داشت، به عنوان رهبر حزب متحد ملی اعلام شده است. علومی می گوید که حزب او با نظریات کمونیستی هیچگونه پیوندی ندارد.

به تعقیب اعلام موجودیت این حزب، ارگان های مختلف دولتی و از جمله وزارت عدلیه و ستره محکمه، واکنش های جدی نشان دادند.

عبدالرحیم کریمی وزیر عدلیه به روز یک شنبه ۲ سنبله اظهار داشت که فعالیت حزب متحد ملی غیر قانونی است. او استدلال کرد که هنوز قانون احزاب توشیح نشده است بناءً ایجاد سازمان های جدید سیاسی نمی تواند جنبهٔ قانونی داشته باشد.

اما آقای نور الحق علومی گفت که آن ها به اساس توافقات بن وقانون اساسی ۱۳۴۳ آغاز به فعالیت کرده اند. او اظهارات وزیر عدلیه را یک موضعگیری سلیقه یی خواند.

وزیر عدلیه می گوید که کمونیست ها به وحدانیت ایمان ندارند لذا قانون اساسی به آن ها اجازهٔ فعالیت سیاسی را نمی دهد.

شورای عالی ستره محکمهٔ افغانستان نیز در نشست روز ۳ سنبله خود، تأسیس حزب متحد ملی را فعالیت مجدد حزب کمونیستی خوانده ونظر وزارت عدلیه را در مورد غیر قانونی بودن آن، تایید کرد. شورای عالی ستره محکمه بر علاوه خواهان تعقیب ومحاکمه گردانندگان آن حزب به عنوان عاملان اصلی مصیبت های دو دههٔ اخیر افغانستان گردید.

ص۷

رقم قربانیان گرمی اخیر فرانسه به پنج هزار نفر رسیده است

قرار است هفتهٔ آینده رقم دقیق قربانیان گرما اعلان گردد. به گفتهٔ یک منبع وزارت صحت فرانسه رقم تلفات بالاتر از پنج هزار نفر می باشد. اکثر قربانیان افراد سالخورده اند که تاب تحمل حرارت ۴۰ درجه رانداشتند.

حکومت فرانسه حالت اضطراری را اعلان نموده واز تمام دکتران ونرس ها که در ایام تعطیلات به سر می برند، خواسته است به وظیفه برگردند.

براساس یک خبر دیگر شمار قربانیان گرما در پرتگال به ۱۳۰۰ نفر رسیده است. درجهٔ گرمی در این کشور به ۴۷درجه رسیده است همچنان براثر شدت گرمی ۲۱۵،۰۰۰هکتار از جنگلات آتش گرفته وهزاران نفر از خانه های شان فرار نموده اند.

پاکستان در نظر دارد چهار کانال جدید تلویزیونی به راه اندازد

شیخ رشید احمد وزیر اطلاعات ونشرات به ریاست تلویزیون آن کشور هدایت داده است تاچهار کانال جدید تفریحی وتعلیمی را از طریق ماهواره سازماندهی نمایند.

در پاکستان ۲۵کانال غیرحکومتی سرگرم نشرات برای بینندگان خویش اند. تلویزیون دولتی پاکستان در سال روان هفتاد میلیون روپیه مفاد داشته است. اگر چه شبکه های تفریحی هند در پاکستان از محبوبیت زیادتری بهره مند اند..

په جلال آباد کې دري تنه دراکتي بريدونو په تورونيول شول

دخبري سرچينو په وينا دننگرهار ولايت دچپرهار ولسوالي په مربوطاتوکي دري تنه دبم دايښودلو په تور ونيول شول.

دغو دريو تنو په هغو چاودنو کې چي دوه مياشتي وړاندې په دغه ولسوالي کې ترسره شوي وي او ددغي ولسوالي د امنيي قوماندان په کې ټپي شوي وُ دلاس درلودلو اعتراف هم کړي دي ددغه ولسوالي دچارواکو په وينا دغه کسان دطالبانو او القاعدي سره تړاو لري.

از نامه های آمده

کار بازسازی سالنگ باید سرعت یابد

به ادارهٔ هفته نامهٔ وزین مجاهد.

امید است دارای صحت وعافیت کامل بوده باشید!

من یکتن از مسافرینی بودم که چندی قبل باعبور از سالنگ عازم سمت شمال کشور شدم که شاهد انبوه مشکلات اهالی آن جا هستم.

نبود انتظار گاه خاص در آن سرمای طاقت فرسا وبالا رفتن نرخ مواد خورد ونوش برای مسافران خطری کشنده تلقی می شد. آنهایی که باافراد مسلح ناحیه شناخت داشتند می توانستند باموتر های شان از تونل سالنگ عبور کنند ولی بقیهٔ مردم باید راه دشوار ودور و درازی را به مدت بیشتر از یک ساعت پیاده طی کنند.

همچنان کار بازسازی در داخل تونل به بسیار کندی به پیش می رود و در چندین قسمت آن آب جمع شده است. در داخل تونل روشنی کافی وجود ندارد که مشکلاتی را در عبور ومرورمسافران به وجود آورده است طوری که امکان افتیدن مسافران به ویژه کودکان، کهن سالان وزنان بیشتر مساعد کرده است که در نتیجه باعث برداشتن جراحت شدید وحتی از بین رفتن آنان می شود چنانچه خودم شاهد چنین صحنهٔ دلخراشی بودم.

از طرف دیگر چون اکثر مردم ولایات سمت شمال کشور زراعت پیشه اند وبازار عمدهٔ فروش کالاهای زراعتی آنها را کابل وسایر ولایات کشور وپاکستان تشکیل می دهد، مسدود بودن راه سالنگ ومشکلات موجود در راه شیبر باعث گردیده است تا این محصولات به وقت وزمانش به این بازارها راه نیابد که دهاقین از این ناحیه سخت متضرر شده اند.

از جناب شما امید است که نامهٔ بنده را به سمع مقامات ذیصلاح بدون کم وکاست رسانده فریضهٔ ملی خویش را ادا سازید.

امید است مقامات بلند پایه در زمینهٔ بازسازی هرچه عاجلتر آن اقدامات جدی نمایند.

والسلام

فیروز محصل دانشکدهٔ شرعیات

شورای مردم تخار برگزار گردید

روز ۲۲ اسد شورای مردم ولایت تخار طی نشستی در شهر کابل پیرامون مشکلات ومسایل محلی و منطقوی شان به بحث پرداخت.

در این شورا چهارصد تن از بزرگان، دانشمندان و روشنفکران ولایت تخار اشتراک داشتند.

از میان اشتراک کنندگان سی تن را بحیث نمایندگان مردم تخار انتخاب و معرفی کردند. در این محفل پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید مولوی سید اقبال، استاد رحیم بیگ، سمیع الله قرلق، سید احمد روئین استاد عنایت الله شاداب و انجنیر عبدالحنان و وکیل صدیقی طی سخنرانی هایی هدف ایجاد این شورا را به بررسی گرفتند. آنها برخی از مشکلات محیطی شانرا مطرح ساختند که بایست این شورا در حل آن نقش مؤثر ایفا بدارد.

په هرات کې دښځو له پاره دزده کړي مرکز جوړيږي

دهرات ولايت دخواجه عبدالله انصاري په سيمه کې ددري جريبو په مساحت دښځو له پاره دزده کړي ديو مرکز کار پيل شو، ويل کيږي د دغه مرکز کار به د اويازرو امريکايي ډالرو په لګښت دروستايي موسسي له خوا تر سره شي.

بلخوا ددغه ولايت دښځو دچارو رئيسي وويل داوس له پاره دښځو دزده کړي کورسونه په هغه ځاي کې روان دي چي د دغه ولايت دوالي اسماعيل خان له خوا ددوي په واك کې ورکړ شوي دي. دیادوني وړده: له يو کال را په دي خوا دښځو له پاره دزده کړي دادوه ستر مرکزونه دي چي په دغه ولايت کې په آزاده او خپلواکه توګه فعاليت کوي